

عیسی همیشه وجود داشت.

“در ازل، پیش از آنکه چیزی پدید آید، کلمه وجود داشت و کلمه نزد خدا بود. او همواره زنده بود و خود او خداست.”
(یوحنا ۱: ۱)



هر ساله روز تولد خودتان را جشن می‌گیرید. اما وجود شما در واقع به عنوان خلقت خدا، از زمانی که در بدن مادرتان شکل گرفته‌اید، شروع شد. هر سال مسیحیان تولد عیسی را جشن می‌گیرند - آنها روز تولد عیسی در بیت لحم را جشن می‌گیرند. بدن عیسی نیز در شکم مادرش شکل گرفت، اما شروع وجود عیسی از آنجا نبود. عیسی از کجا آمد؟

یوحنا ۱: ۱-۱۴ را بخوانید.

فکر کنید! یوحنا می‌گوید که حتی پیش از اینکه زمان وجود داشته باشد، عیسی وجود داشت. عیسی آفریده نشد. او هیچ آغازی نداشت. او همیشه



وجود داشت - زیرا عیسی خداست!

یوحنا می‌گوید که عیسی ک - - است، یعنی عیسی پیام خدا به شما است. وقتی عیسی بر روی زمین زندگی می‌کرد، با سخنان و اعمالش نشان داد که خدا می‌خواهد چگونه زندگی کنید.

عیسی آفریننده است. آیه ۳ می‌گوید که عیسی چه چیزی را آفرید؟

عیسی کسی است که همه چیز را آفرید! آیا می‌توانید چند چیز را که او ساخت، نام ببرید؟

عیسی هیچ شروع و هیچ پایانی نخواهد داشت!

دعا کنید!

امروز از خدا به خاطر عیسی، آفریننده خود تشکر کنید.





“در ازل، پیش از آنکه چیزی پدید آید، کلمه وجود داشت و کلمه نزد خدا بود. او همواره زنده بود و خود او خداست.”
(یوحنا ۱: ۱)



وعده بسیار مهم است. مردم توقع دارند که شما به وعده خود عمل کنید. بعضی اوقات وفادار ماندن به وعده، بسیار دشوار است. سال ها پیش خدا چند وعده درباره عیسی داد.

مردان مخصوصی این وعده ها را برای شما نوشتند. این مردان چه کسانی بودند؟ آیا خدا به وعده هایش عمل کرد؟

دوم پطرس ۱: ۱۶-۲۱ را بخوانید.

فکر کنید! پطرس یکی از پیروان عیسی بود. در آیه ۱۶ پطرس می گوید که او و دیگر پیروان با خود عظمت و جلال عیسی مسیح خداوند را دیدند.



این مساله بدین معناست که آنها خودشان کارهایی را که عیسی انجام داد، دیدند. مردان دیگری وجود داشتند که این اتفاقات را با چشمان خود ندیدند.

آنها انبیا نامیده می شدند. آنها مدت ها پیش از اینکه عیسی بر روی زمین بیاید، زندگی می کردند. خدا به انبیا چیزهایی را که قرار بود اتفاق بیافتد، از پیش می گفت. او به ایشان درباره تولد و مرگ عیسی گفت. همچنین به ایشان گفت که عیسی دوباره زنده می شود. وعده هایی که درباره عیسی به انبیا داده شد، پیشگویی نامیده می شود. از آیه ۲۰-۲۱ چگونه در می یابید که این پیشگویی ها فقط داستان هایی نیستند که انبیا از خود درآورده باشند؟

فکر می کنید چرا خدا پیش از اینکه عیسی به زمین بیاید، درباره او پیشگویی کرد؟

آیا وعده های خدا درباره عیسی به حقیقت پیوست؟ بله، به خواندن ادامه بدهید تا بفهمید چطور این اتفاق افتاد.

دعا کنید!

از خدا تشکر کنید که به وعده هایش درباره عیسی وفا کرد و درست همانطوری که انبیا پیشگویی کرده بودند، عمل کرد.





متولد بیت لحم

“در ازل، پیش از آنکه چیزی پدید آید، کلمه وجود داشت و کلمه نزد خدا بود. او همواره زنده بود و خود او خداست.”
(یوحنا ۱: ۱)



فالگیران ادعا می کنند که آینده را می دانند، اما اغلب اشتباه می کنند! وقتی انبیا خدا درباره رخدادی در آینده صحبت می کردند، هرگز مرتکب اشتباه نمی شدند! ایشان پیغامی را که خدا می داد تا به مردم بگویند، اعلام می کردند. بعضی از این پیشگویی ها درباره تولد عیسی بود.

متی ۱: ۱۸-۲۳ را بخوانید.



فکر کنید! آیه ۲۲ درباره اینکه همه چیز در مورد تولد عیسی آنطور که گفته شده بود انجام شد، چه می گوید؟
خدا از طریق انبیا خود گفت که عیسی از یک باکره به دنیا خواهد آمد. عیسی به عنوان پسر خدا

هیچ پدر زمینی نداشت (اشعیا ۷: ۱۴).

نبی دیگری گفت که عیسی در شهر بیت لحم به دنیا خواهد آمد (میکاه ۵: ۲).

کدام یک از آیات در کتاب متی فصل ۲ به شما می گوید که این پیشگویی به حقیقت پیوست؟

یکی دیگر از انبیا گفت که مسیح خداوند از خانواده داوود، پادشاه اسرائیل خواهد بود (دوم سموئیل ۷: ۱۲). در کتاب لوقا در باب ۲ آیات ۱-۷ کدام آیه به شما می گوید که این پیشگویی به حقیقت پیوست؟

چرا این موضوع که تمام این پیشگویی ها درباره عیسی به حقیقت پیوست، مهم است؟

چقدر این کار خدا عالی است که به شما کمک می کند تا مطمئن شوید و بدانید که خدا به وعده هایش عمل خواهد نمود!

دعا کنید!

از خدا تشکر کنید که همانطوری که گفته بود، عیسی خداوند را به جهان فرستاد.





عیسی بر روی صلیب مرد

“در ازل، پیش از آنکه چیزی پدید آید، کلمه وجود داشت و کلمه نزد خدا بود. او همواره زنده بود و خود او خداست.”
(یوحنا ۱: ۱)



چرا عیسی می بایستی می مرد؟ به نظر می رسید که همه چیز خارج از کنترل بود. انسان های بد و شرور عیسی را به یک صلیب چوبی میخکوب کردند، اما این نقشه خدا بود. انبیا صدها سال پیش نوشته بودند که این وقایع رخ خواهد داد.

یوحنا ۱۹: ۱۷-۲۰، ۲۳-۲۴، ۲۸-۳۰ را بخوانید.

فکر کنید! عیسی به شکل دردآور و بسیار بدی بر روی صلیب مرد. انبیا سال های بسیار دوری گفته بودند که او رنج و عذاب خواهد کشید. انبیا چه چیز دیگری در مورد زمانی که عیسی بر روی صلیب مرد، پیشگویی کردند که اتفاق می افتد؟



به یوحنا ۱۹: ۲۳-۲۴ نگاه کنید.

تمام چیزهایی که اتفاق افتاد باعث شد تا آنچه انبیا گفته بودند، دقیقاً انجام شود. حتی پس از اینکه عیسی مرد، سخنان انبیا همچنان درباره عیسی به حقیقت پیوست. آیات ۳۲-۳۷ را بخوانید. اگر کسی از شما بپرسد که “چرا عیسی می باید می مرد؟”

شما چگونه پاسخ خواهید داد؟

خدا باعث شد تمامی سخنان انبیا درباره پسرش، به حقیقت تبدیل شود. خدا می خواست شما بدون هیچ شکی بدانید که عیسی حقیقتاً پسر اوست که برای گناهان جهان مرد!

دعا کنید!

از خدا تشکر کنید که عیسی مایل بود برای گناه بمیرد.





عیسی دوباره زنده شد

“در ازل، پیش از آنکه چیزی پدید آید، کلمه وجود داشت و کلمه نزد خدا بود. او همواره زنده بود و خود او خداست.”
(یوحنا ۱: ۱)



شما متوجه شدید که چگونه چندین نفر از انبیا، صدها سال پیش از اینکه عیسی بدنیا بیاید، در مورد او پیشگویی هایی نوشتند. آیا می دانستید که عیسی درباره آینده خود صحبت کرد؟
او با پیروانش (شاگردانش) درباره مرگ خود صحبت کرد. او همچنین به ایشان گفت که چگونه از مردگان زنده خواهد شد.
آیا آنها پیشگویی او را باور کردند؟

لوقا ۹: ۱۸-۲۲ را بخوانید.

فکر کنید! شاگردان به عیسی گفتند که تعدادی از مردم فکر می کنند که او یکی از انبیا می باشد. وقتی عیسی از شاگردان پرسید که آنها فکر می کنند که او کیست، پطرس چگونه جواب داد؟



آنوقت عیسی در آیه ۲۲ پیشگویی کرد. او به ایشان گفت که چهار چیز برای او اتفاق خواهد افتاد. این چهار چیز چه بودند؟
شما درباره رنج کشیدن عیسی، نپذیرفته شدن او و مرگش بر روی صلیب خواندید، اما درباره قیام (دوباره زنده شدن از مردگان) او چطور؟
لوقا ۲۴: ۱-۸ را بخوانید عیسی درست همان کاری را انجام داد که گفت. او دوباره زنده شد! این واقعیت که عیسی از مردگان زنده شد، چه چیزی را برای شما به اثبات می رساند؟
عیسی خداوند، حقیقتاً پسر خدا می باشد! آیا خوشحال نیستید که عیسی از مردگان زنده شد؟

دعا کنید!

از خدا تشکر کنید که عیسی زنده است!





او دوباره باز خواهد گشت!

“در ازل، پیش از آنکه چیزی پدید آید، کلمه وجود داشت و کلمه نزد خدا بود. او همواره زنده بود و خود او خداست.”
(یوحنا ۱ : ۱)



بسیاری از پیشگویی ها درباره عیسی قبلا به حقیقت پیوسته اند. تعداد دیگری از پیشگویی ها نیز وجود دارند که هنوز رخ نداده اند. یکی از هیجان انگیزترین این پیشگویی ها، وعده ای است که عیسی درست پیش از مرگش بر روی صلیب داد. این پیشگویی در مورد شما است!
یوحنا ۱۴ : ۱ - ۶ را بخوانید.

فکر کنید! اگر به عیسی به عنوان نجات دهنده تان اعتماد کرده اید، او جایی را در آسمان (بهشت) برای شما آماده می سازد! بسیاری از مسیحیان وقتی بدنشان می میرد، به آسمان (بهشت) خواهند رفت.
اما تعدادی نیز هرگز نخواهند مرد. عیسی در آیه ۳ وعده داد که چه کاری انجام خواهد دهد؟



وقتی عیسی باز گردد، مسیحیان با او به آسمان (بهشت) می روند. عیسی چه وقت بر می گردد؟ کتاب مقدس نمی گوید که عیسی چه وقت باز می گردد، اما مسیحیان می دانند که او باز خواهد گشت. او اینگونه وعده داد!

چهل روز پس از اینکه عیسی مرد و دوباره زنده شد، در ابرها بالا برده شد و به آسمان رفت. وقتی شاگردان این صحنه را تماشا می کردند، دو فرشته آمده و پیشگویی عیسی را به ایشان یادآوری کردند. می توانید این موضوع را در اعمال ۱ : ۹ - ۱۱ بخوانید.

آیا وقتی عیسی باز می گردد، برای آسمان (بهشت) آماده خواهید بود؟ چطور آماده می شوید؟
لازم است که به عیسی به عنوان نجات دهنده خود از مجازات گناهان، اعتماد نمایید.

دعا کنید!

اگر هرگز به عیسی به عنوان نجات دهنده تان اعتماد نکرده اید، این کار را می توانید درست همین حالا انجام دهید.





دعا کنید!





شخصیت شگفت انگیزی به ملاقات مریم می رود.

“از این گذشته، ما نیز به چشمان خود دیده ایم و به همه اعلام می کنیم که خدا فرزندش را فرستاد تا مردم را نجات و رستگاری عطا کند.” (اول یوحنا ۴: ۱۴)



اگر می بایست برای مدت بسیار طولانی منتظر بمانید تا وعده ای به انجام برسد، چه کار می کردید؟ آدم و حوا، یعنی اولین انسان ها علیه خدا گناه کردند. سپس خدا وعده داد تا نجات دهنده ای بفرستد که جریمه گناهان تمام مردم جهان را بپردازد. سال های زیادی سپری شد. دقیقا در زمان مناسب، خدا مامور مخصوصی را فرستاد تا خبر خوشی را برای زن جوانی به نام مریم ببرد.

لوقا ۱: ۲۶-۳۳ را بخوانید.

فکر کنید! آیا می توانید تصور کنید که فرشته ای شما را ملاقات کند؟
مریم می بایستی نوزاد را به چه نامی می خواند؟



این نوزاد با تمام نوزادهای دیگر متفاوت بود. او خدا در بدن انسانی بود. به آیات ۳۲ و ۳۳ نگاه کنید. دو چیزی که جبرئیل درباره عیسی گفت را بنویسید.
فکر می کنید چرا خدا مریم را انتخاب کرد تا مادر پسر خدا باشد؟

مریم می بایستی زنی بود که خدا را دوست داشت و از او اطاعت می کرد! آیا شما نیز کسی هستید که خدا را دوست دارید و از او اطاعت می کنید؟

دعا کنید!

از خدا بخواهید به شما کمک کند تا شخصی باشید که او را دوست دارد و از او اطاعت می نماید.



“از این گذشته، ما نیز به چشمان خود دیده ایم و به همه اعلام می کنیم که خدا فرزندش را فرستاد تا مردم را نجات و رستگاری عطا کند.” (اول یوحنا ۴: ۱۴)



آیا تا به حال اتفاق افتاده است که بایستی کار بسیار سختی انجام می دادید؟ بعضی وقت ها خدا از افراد می خواهد که کارهای سختی انجام دهند که از درک آن عاجز هستند، یا فکر می کنند نمی توانند آنرا انجام دهند. خدا از مریم می خواست که کار دشواری انجام دهد و مریم نمی فهمید چرا باید آن کار را انجام دهد. مریم چگونه به خدا پاسخ داد؟

لوقا ۱: ۳۴-۳۸ را بخوانید.



فکر کنید! مریم هیچ اطلاعی نداشت که چطور تمام این اتفاقات رخ خواهد داد، اما او مایل بود که از خدا اطاعت کند. فکر می کنید وقتی مریم به خدا گفت که خدمتگزار خدا است، منظورش چه بود؟ خدمتگزاران هر کاری را که سرورشان از آنها بخواهد، انجام می دهند. آیا شما نیز یکی از خدمتگزاران خدا هستید؟ اگر خدا از شما بخواهد کاری انجام دهید که دلیل آنرا نمی فهمید، چه جوابی می دهید؟ خبر خوش این است! خدا هرگز از خدمتگزارانش کاری نمی خواهد که قادر به انجامش نباشند. او همیشه قوت و توانایی کاری را که می خواهد انجام بشود، به خدمتگزار خود خواهد داد. اگر شما خدمتگزار خدا هستید، می توانید به وعده کتاب مقدس اعتماد کنید: “هر چه خدا از من بخواهد، با کمک مسیح می توانم انجام دهم، زیرا مسیح قدرت انجام آن را به من می بخشد” (فیلیپیان ۴: ۱۳). بعضی اوقات انجام کاری که خدا از شما می خواهد، دشوار است، اما شما نباید آن را به تنهایی انجام دهید. چه کسی قوت اطاعت از خدا را به شما خواهد داد؟

دعا کنید!

امروز از خدا به خاطر قوتش که به شما کمک می کند تا از او اطاعت نمایید، سپاسگزاری نمایید.



یک نوزاد مخصوص دیگر

“از این گذشته، ما نیز به چشمان خود دیده ایم و به همه اعلام می کنیم که خدا فرزندش را فرستاد تا مردم را نجات و رستگاری عطا کند.” (اول یوحنا ۴: ۱۴)



مریم از چیزی که فرشته به او گفته بود، متعجب بود. آیا این اتفاق حقیقتاً رخ خواهد داد؟ خدا از شخصی که به مریم نزدیک بود، استفاده کرد تا به مریم کمک کند که مطمئن باشد وعده خدا راست است!

لوقا ۱ : ۳۶ - ۴۵ را بخوانید.

فکر کنید! مریم می بایست بسیار شگفت زده بود. او تنها کسی نبود که به زودی صاحب نوزادی مخصوص می شد. فرشته به مریم گفت که یکی از خویشاوندانش به نام الیزابت نیز به زودی صاحب نوزادی خواهد داشت. آیه ۳۶ می گوید که فرزند الیزابت نیز نوزاد غیر معمولی خواهد بود. الیزابت پیر بود و هرگز قادر نبود که نوزادی داشته باشد. چطور ممکن بود که الزابت چنین نوزاد مخصوصی داشته باشد؟



پاسخ در آیه ۳۷ است! پاسخ را اینجا بنویسید:

مریم به دیدار الیزابت رفت. وقتی مریم به الیزابت سلام گفت، بچه الیزابت در رحم او از شادی به حرکت درآمد! به نظر می رسد حتی این طفل به دنیا نیامده نیز می دانست که نوزاد مریم چقدر مخصوص بود. خدا کارهای شگفت انگیزی انجام می داد تا به مریم کمک کند مطمئن شود که وعده اش درست است.

در آیه ۴۵ چرا الیزابت به مریم گفت که مریم “مبارک” (شاد) است؟ موقعیتی را بنویسید که به خاطر باور کردن خدا و اطاعت از او شاد بودید.

دعا کنید!

از خدا بخواهید به شما کمک کند تا امروز به او ایمان بیاورید و از او اطاعت نمایید.



خواب شگفت انگیز یوسف

“از این گذشته، ما نیز به چشمان خود دیده ایم و به همه اعلام می کنیم که خدا فرزندش را فرستاد تا مردم را نجات و رستگاری عطا کند.” (اول یوحنا ۴: ۱۴)



آیا خدا درک می کند که شما چه احساسی در مورد مسایل مختلف دارید؟ بله! او شما را آفرید. وقتی شاد یا غمگین هستید، او از این موضوع آگاه است. او می داند چه وقت سراسیمه یا عصبانی هستید. او می داند چه وقت به کمک او نیاز دارید. مریم نامزد مردی به نام یوسف بود. یوسف به شکل خاصی به کمک خدا نیاز داشت.

متی ۱: ۱۸-۲۵ را بخوانید.

فکر کنید! وقتی یوسف مطلع شد که مریم به زودی نوزادی بدنیا خواهد آورد، چه احساسی داشت؟ یوسف باید در ابتدا نگران این بود که مردم درباره مریم چه می گویند و چگونه فکر می کنند. خدا احساس یوسف را درک می کرد. او به یوسف کمک کرد تا جرات پیدا کند که از خدا اطاعت نماید.



درباره موقعیتی بنویسید که وسوسه شدید تا از خدا اطاعت نکنید، چون نگران این موضوع بودید که مردم در مورد شما چه خواهند گفت یا چه کاری انجام خواهند داد.

نگران شدن درباره اینکه دیگران در مورد شما چگونه فکر می کنند، طبیعی است. وقتی وسوسه می شوید که از خدا اطاعت نکنید، چه کاری باید انجام دهید؟

خدا می تواند در هر موقعیتی به شما کمک کند تا از او اطاعت نمایید! وعده او را در فیلیپیان ۴: ۱۳ بیاد بیاورید. شما می توانید با کمک خداوند، هر کاری را انجام دهید.

دعا کنید!

از خدا بخواهید به شما کمک کند تا بدون توجه به اینکه مردم چه فکری می کنند، از او اطاعت نمایید.





نقشه شگفت انگیز خدا

“از این گذشته، ما نیز به چشمان خود دیده ایم و به همه اعلام می کنیم که خدا فرزندش را فرستاد تا مردم را نجات و رستگاری عطا کند.” (اول یوحنا ۴: ۱۴)



آیا از پازل خوش تان می آید؟ قسمت بعدی داستان مریم و یوسف، یک پازل دارد! مریم و یوسف آماده می شدند تا پسر خدا در ناصره به دنیا آید. اما خدا چندین سال پیش گفته بود که پسرش در بیت لحم، یعنی کیلومترها دورتر از ناصره، به دنیا خواهد آمد. خدا نقشه ای داشت تا این پازل را حل کند.

لوقا ۲: ۱-۵ را بخوانید.

فکر کنید! چه اتفاقی افتاد که باعث شد مریم و یوسف به بیت لحم بروند؟ اتفاقات مختلف خود به خود رخ نداند، بلکه تمام این اتفاقات، قسمتی از نقشه خدا بود. خدا نقشه های شگفت انگیزی برای زندگی شما نیز دارد!



کتاب مقدس می گوید: “خواست و اراده من سعادت مندی شما است و نه بدبختی تان و کسی به جز من از آن آگاه نیست. من می خواهم به شما امید و آینده خوبی ببخشم.” (ارمیا ۲۹: ۱۱).

این آیه می گوید که نقشه های خدا برای شما چگونه است؟

آیا دانستن این موضوع جالب نیست که خدا نقشه های عالی برای شما دارد؟ نقشه های او همیشه بهترین است. خدا می خواهد این هفته به شما کمک کند تا از نقشه اش پیروی نمایید.

دعا کنید!

از خدا بخواهید تا نقشه اش را امروز به شما نشان دهد و به شما کمک نماید تا از آن پیروی کنید.



“از این گذشته، ما نیز به چشمان خود دیده ایم و به همه اعلام می‌کنیم که خدا فرزندش را فرستاد تا مردم را نجات و رستگاری عطا کند.” (اول یوحنا ۴: ۱۴)



آیا تا به حال مکانی که نوزادان در آن به دنیا می‌آیند را دیده‌اید؟ معمولاً همه چیز در آنجا تمیز و پاک است تا نوزادان بیمار نشوند. دکترها و پرستارها در آنجا حاضر هستند تا به خوبی از نوزادان مراقبت به عمل آورند. وقتی عیسی به دنیا آمد، شرایط بسیار متفاوت بود!

لوقا ۲: ۴-۷ را بخوانید.

فکر کنید! عیسی، خدای پسر در یک بیمارستان تمیز به دنیا نیامد. در آنجا هیچ دکتر یا پرستاری وجود نداشت. عیسی در یک اسطبل، یعنی جایی که حیوانات می‌خوابیدند، به دنیا آمد! سپس او در یک آخور، یعنی جایی که حیوانات در آن غذا می‌خورند، گذاشته شد! فکر می‌کنید آن اسطبل چه شکلی بود؟



به نظر می‌آید که پسر خدا می‌بایست در یک جای مخصوص، مثلاً در یک قصر به دنیا می‌آمد. فکر می‌کنید چرا خدا اجازه داد که پسرش در جای محقری مثل یک اسطبل به دنیا بیاید؟

خدا پسرش را فرستاد تا نجات دهنده جهان باشد. (آیا آیات اول یوحنا ۴: ۱۴ را حفظ کردید؟) عیسی فقط بخاطر افراد مهم یا ثروتمند نیامد. او برای تمام کسانی که به او ایمان می‌آورند، آمد. آیا کسانی را می‌شناسید که نیاز دارند به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده شان ایمان بیاورند؟

دعا کنید!

از خدا به خاطر عیسی که آمد تا نجات دهنده جهان باشد، سپاسگزاری نمایید.





دعا کنید!



چوپانان شگفت زده

“اما فرشته به ایشان اطمینان خاطر داد و گفت: نترسید! من حامل مژده ای برای شما هستم، مژده ای مسرت بخش برای همه مردم! و آن اینست که همین امروز مسیح، خداوند و نجات دهنده شما در شهر داوود چشم به جهان گشود.” (لوقا ۲: ۱۰-۱۱)



دیدن یک فرشته واقعی چطوری است؟ چند مرد که در زمان های بسیار دور زندگی می کردند، می توانستند به این سوال پاسخ دهند. آنها چوپانانی بودند که از گوسفندان شان مراقبت می کردند. ناگهان اتفاق بسیار شگفت انگیزی رخ داد!
لوقا ۲: ۸-۹ را بخوانید.

فکر کنید! این فرشته خداوند بود که خدا او را به عنوان یک پیغام رسان فرستاد. چوپانان بسیار وحشت زده شده بودند! فکر می کنید که چرا آنها ترسیده بودند؟



نور جلال خدا که در اطراف فرشته می چرخید، نشان دهنده تقدس و پاکی خدا بود. خدا مثل انسان نیست. او کامل (مقدس) است. او هرگز گناه نمی کند. مردم باعث ناخشنودی خدا می شوند و احکام او را می شکنند. دروغگویی و دزدی گناه است. آیا می توانید به دو نمونه دیگر گناه اشاره کنید؟

چوپانان می دانستند که گناهکارند. حالا آنها در مقابل یک فرشته مقدس خدا ایستاده بودند. هیچ تعجبی نداشت که آنها ترسیده بودند، اما خبر خوشی نیز در راه بود!

دعا کنید!

از خدا به خاطر اینکه مقدس و پاک است، تشکر کنید. از او بخواهید به شما کمک کند که مانند او مقدس باشید.





خبر خوش

«اما فرشته به ایشان اطمینان خاطر داد و گفت: نترسید! من حامل مژده ای برای شما هستم، مژده ای مسرت بخش برای همه مردم! و آن اینست که همین امروز مسیح، خداوند و نجات دهنده شما در شهر داوود چشم به جهان گشود.» (لوقا ۲: ۱۰-۱۱)



آیا هرگز خبرهای تلویزیون را تماشا کرده اید؟ اغلب خبرهای تلویزیون درباره اخبار بد جنگ و بیماری است. وقتی چوپانان در آن شب فرشته را دیدند، فهمیدند که خبر مهمی هست و از آن متعجب خواهند شد.

لوقا ۲: ۱۰-۱۱ را بخوانید.



فکر کنید! خبر مهم آیه ۱۱ چه بود؟

این فقط یک خبر خوش نبود - این بهترین خبر تاریخ بود! چرا فکر می کنید که این خبر بهترین خبر برای تمام مردم است؟

یک نجات دهنده کسی است که شخص دیگری را نجات می دهد. خدا پسر خودش، عیسی را فرستاد تا مردم جهان را از گناه نجات دهد. عیسی مقدس و بدون گناه بود. او بر روی صلیب مرد تا مجازات گناهان تان را متحمل شود. بعد او دوباره زنده شد. عیسی آمد تا نجات دهنده شما باشد!

اگر هرگز به عیسی به عنوان نجات دهنده تان اعتماد نکرده اید، می توانید این کار را درست همین حالا انجام دهید. فقط بگویید: «خدای عزیز، می دانم که گناه کرده ام و از این بابت متاسفم.

ایمان دارم که عیسی، یعنی پسر تان آمد تا نجات دهنده من باشد. هم اکنون او را به عنوان نجات دهنده خود قبول می کنم. متشکرم که گناهان مرا می بخشی. در نام عیسی. آمین

دعا کنید!

امروز از خدا تشکر کنید که پسرش عیسی را فرستاد تا نجات دهنده شما باشد.



گروه سرود فرشتگان



“اما فرشته به ایشان اطمینان خاطر داد و گفت: نترسید! من حامل مژده ای برای شما هستم، مژده ای مسرت بخش برای همه مردم! و آن اینست که همین امروز مسیح، خداوند و نجات دهنده شما در شهر داوود چشم به جهان گشود.” (لوقا ۲: ۱۰-۱۱)



“خدا را در آسمان ها جلال باد.”
آیا تا به حال این سرود را در جشن کریسمس خوانده اید؟ شاید از خود پرسیده اید که این سرود درباره چیست؟
این سرود می گوید که درست پس از اینکه چوپانان پیغام شگفت انگیز “خبر خوش” را شنیدند، چه اتفاقی برای آنان رخ داد!
لوقا ۲: ۱۲-۱۴ را بخوانید.

فکر کنید! فرشته چه راهنمایی به چوپانان داد تا آنها بتوانند نوزاد را پیدا کنند؟



این خبر باید باعث شگفتی چوپانان شده باشد. اما پیش از اینکه آنها وقت بتوانند در مورد آن متعجب شوند، تمامی آسمان به وسیله فرشتگان نورانی، درخشان شد! فرشتگان خدا را می ستاییدند و بدین ترتیب آسمان را پر کرده بودند.
اولین چیزی که آنها در آیه ۱۴ گفتند، چیست؟

“خدا را در آسمان ها جلال باد”، به این معناست که تمام ستایش ها را به خدا اختصاص دهید!
این نوزاد راهی را فراهم می کرد که مردم از گناهان شان بخشیده شوند و با خدا در صلح و آرامش قرار گیرند.
شما نیز می توانید خدا را ستایش کنید، زیرا عیسی نجات دهنده شما است. هر روز وقتی را به پرستش و ستایش خدا اختصاص دهید.

دعا کنید!

امروز ستایشی را که خدا شایسته آن است، به او بدهید.





چوپانان نجات دهنده را ملاقات می کنند

«اما فرشته به ایشان اطمینان خاطر داد و گفت: نترسید! من حامل
مژده ای برای شما هستم، مژده ای مسرت بخش برای همه مردم! و
آن اینست که همین امروز مسیح، خداوند و نجات دهنده شما در شهر
داوود چشم به جهان گشود.» (لوقا ۲: ۱۰-۱۱)



اگر قصد داشتید پادشاهی را ملاقات نمایید، چه نوع هدیه ای با خود می بردید؟ احتمالا
هدیه مخصوصی می بردید تا به یک شخص مهم احترام بگذارید.
چوپانان به تازگی فهمیده بودند که نجات دهنده شان متولد شده است. او پادشاه
پادشاهان بود!
آنها می خواستند به دیدن او بروند. ولی چه چیزی می توانستند به پادشاه هدیه بدهند؟
لوقا ۲: ۱۵-۱۶ را بخوانید.

فکر کنید! چوپانان با عجله به بیت لحم رفتند تا نوزاد را ببینند. آنها اسطبل را
پیدا کردند و با مریم و یوسف ملاقات نمودند. اگر شما به جای یکی از



چوپانان بودید، چه چیزی به مریم و یوسف می گفتید؟

آنوقت چوپانان نوزاد را در آخور دیدند. فکر می کنید وقتی نوزاد را دیدند، چه کاری
انجام دادند؟

شاید آنها روی زمین زانو زدند و او را پرستش کردند. آیا آنها هدیه ای برای نوزاد
آورده بودند؟ نه، آنها چوپانان فقیری بودند. آنها هیچ چیزی برای هدیه کردن نداشتند،
به جز خودشان و پرستش شان.
این تمام چیزی است که خدا از شما نیز می خواهد. او می خواهد همانگونه که هستید،
نزد او بیایید و او را بپرستید.

دعا کنید!

به خدا بگویید که او چقدر عظیم است و اینکه چقدر زیاد او را دوست
دارید و بدین ترتیب او را بپرستید.



خبر خوش را پخش کنید!

“اما فرشته به ایشان اطمینان خاطر داد و گفت: نترسید! من حامل مژده ای برای شما هستم، مژده ای مسرت بخش برای همه مردم! و آن اینست که همین امروز مسیح، خداوند و نجات دهنده شما در شهر داوود چشم به جهان گشود.” (لوقا ۲: ۱۰-۱۱)



اگر خبر واقعا خوشی داشتید، اولین نفری که می خواستید این خبر خوش را به او بدهید، چه کسی بود؟ شاید به خانواده یا دوست تان می گفتید. چوپانان حقیقتا خبر خوشی داشتند. آنها می خواستند آن خبر خوش را به همه بگویند. مردم درباره خبر خوش آنها چه فکری می کردند؟

لوقا ۲: ۱۷-۲۰ را بخوانید.

فکر کنید! چوپانان خبر تولد نجات دهنده را پخش کردند. آنها با همه صحبت کردند! وانمود کنید که شما یکی از چوپانان هستید. وقتی اسطبل را ترک می کنید، مردی را در خیابان می ببینید. به او چه می گویند؟



آیا این خبر را با صدای آهسته و با ناراحتی می گفتید؟ نه! شما بسیار هیجان زده می شدید!

در آیه ۱۸ مردم درباره خبر خوش چه فکر کردند؟

آنوقت چوپانان به سر کار خود باز گشتند، اما آنچه را که دیده بودند، فراموش نکردند. آنها بایستی داستان فرشتگان درخشان و نوزاد درون آخور را بارها و بارها تعریف کرده باشند.

آنها باید خدا را به خاطر اینکه به وعده اش برای فرستادن نجات دهنده، وفا کرده بود، ستایش کرده باشند. اگر شما به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان اعتماد کرده اید، با چه کسی می توانید خبر خوش را در میان بگذارید؟

دعا کنید!

از خدا بخواهید به شما کمک کند تا خبر خوش را امروز با کسی در میان بگذارد!





شما می توانید این کار را انجام دهید!

«اما فرشته به ایشان اطمینان خاطر داد و گفت: نترسید! من حامل
مژده ای برای شما هستم، مژده ای مسرت بخش برای همه مردم! و
آن اینست که همین امروز مسیح، خداوند و نجات دهنده شما در شهر
داوود چشم به جهان گشود.» (لوقا ۲: ۱۰-۱۱)



فرض کنید که درمان یک بیماری بسیار وحشتناک را کشف کرده اید. آیا این کشف را
فقط برای خودتان نگه می دارید؟ نه! شما می خواهید این موضوع را به همه بگویید.
اگر عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده خود می شناسید، بهترین راه شفا را می
دانید - شما درمان مشکل گناه را می دانید!
قصد دارید با این خبر خوش چه کاری انجام دهید؟
لوقا ۲: ۲۵ را بخوانید.

فکر کنید! چوپانان از اینکه خبر خوش نجات دهنده را که به دنیا آمده بود
به مردم بگویند، نمی ترسیدند و شرمند نبودند.



چرا فکر می کنید بعضی افراد ممکن است که بترسند خبر خوش را به دیگران
بگویند؟

نگران این نباشید که مردم درباره شما چه فکری می کنند یا چه چیزی به شما خواهند
گفت. خدا به شما کمک خواهد کرد تا شجاع باشید و بدانید که چه چیزی بگویید.
چرا همین الان این کار را تمرین نمی کنید؟ بر روی خطوط پایین بنویسید که چگونه
به دوست تان می گویند که عیسی چه کاری برای شما انجام داده است؟

از خدا بخواهید به شما کمک کند تا شخصی را یافته و درباره خبر خوش با او صحبت
نمایید.

گوش کنید! آیا صدای شترها را که در راه هستند، می شنوید؟ داستان بعدی درباره
چند شخص مهم است که از سرزمین دوری برای دیدن عیسی می آمدند!

دعا کنید!

از خدا بخواهید به شما جرات دهد که خبر خوش را به دوستان و
همینطور خانواده خود بگویید.





مسافرانی از سرزمین های دور

“زیرا خدا روح است و هر که بخواهد او را بپرستد، باید به روح و راستی بپرستد.” (یوحنا ۴: ۲۴)



وقتی به سفر می روید، نقشه به شما کمک می کند که راه را گم نکنید. کتاب مقدس درباره اشخاص مهمی به ما می گوید که راه درازی را بدون داشتن نقشه سفر کردند. آنها به طرز بسیار عجیب و غیر معمولی به مقصد صحیح، هدایت شدند!

متی ۲: ۱-۲ را بخوانید.

فکر کنید! پس از اینکه عیسی به دنیا آمد، افراد بسیار مهمی بنام مجوسیان ستاره شناس سفر درازی را برای ملاقات او آغاز کردند. این مجوسیان یا مردان حکیم در مکانی بسیار دور از بیت لحم زندگی می کردند. آنها علوم بسیاری بویژه مکان ستاره ها را مطالعه می کردند. یک شب آنها ستاره مخصوصی را دیدند. فکر می کنید چرا این ستاره مخصوص بود؟



این مردان حکیم می دانستند که این ستاره نشانه این بود که پادشاه یهودیان متولد شده بود. آنها می خواستند این پادشاه را بپرستند. فکر می کنید چرا خدا می خواست ایشان را به نزد عیسی هدایت کند؟

این مردان حکیم می دانستند که این نوزاد، نوزاد مخصوصی است. او شایسته پرستش بود. او به دنیا آمده بود تا نجات دهنده جهان باشد!

دعا کنید!

عیسی، خدای پسر را بپرستید.





پادشاهی که آزرده شد

“زیرا خدا روح است و هر که بخواد او را بپرستد، باید به روح و راستی بپرستد.” (یوحنا ۴: ۲۴)



هیرودیس پادشاه، مرد بسیار قدرتمندی بود! او بر مملکت بزرگی حکمرانی می کرد. یکروز چند مهمان به دیدن او آمدند، آنها خبرهایی به همراه داشتند که باعث نگرانی این پادشاه قدرتمند شد!

متی ۲: ۳-۸ را بخوانید.

فکر کنید! وقتی هیرودیس پادشاه بر تختش در اورشلیم نشسته بود، مردان حکیم در مقابل او ایستادند. ایشان از پادشاه چه سوالی کردند؟



هیرودیس پادشاه از آنچه که مردان حکیم پرسیده بودند، آزرده شد. او می بایست از خود سوال کرده باشد که آیا این نوزاد روزی پادشاهی او را به دست خواهد گرفت؟

رهبران دینی آنچه را که انبیا نوشته بودند، به هیرودیس گفتند. عیسی در بیت لحم به دنیا می آمد، پس هیرودیس مردان حکیم را فرستاد تا پادشاه جدید را پیدا کنند. در آیه هشت، هیرودیس از مردان حکیم خواست که وقتی نوزاد را یافتند، چه کاری انجام دهند؟

آیا فکر می کنید هیرودیس پادشاه حقیقتاً می خواست نوزاد را بپرستد؟ چرا؟

هیرودیس نمی خواست حقیقتاً عیسی را بپرستد. او می خواست عیسی را هلاک کند! پرستش حقیقی، احترام گذاشتن و جلال دادن به شخصی است که از دیگران بالاتر و متعال تر است.

دعا کنید!

از خدا بخواهید به شما کمک کند تا حقیقتاً او را بپرستید.



“زیرا خدا روح است و هر که بخواد او را بپرستد، باید به روح و راستی بپرستد.” (یوحنا ۴: ۲۴)



بهترین هدیه ای را که در کریسمس دریافت کرده اید، چیست؟ اگر قصد داشتید به دیدن عیسی بروید، دوست داشتید چه هدیه ای به او بدهید؟ مردان حکیم هدایای بسیار مخصوصی برای عیسی خداوند آورده بودند!

متی ۲: ۹ - ۱۱ را بخوانید.



فکر کنید! ستاره، مردان حکیم را از اورشلیم تا بیت لحم در تمامی راه هدایت کرد. بالاخره ستاره در بالای خانه ای که یوسف، مریم و عیسی

زندگی می کردند، متوقف شد.

وقتی مردان حکیم عیسی را دیدند چه کردند؟

ایشان با تعظیم کردن و پرستیدن عیسی، نشان دادند که می دانند او خدای پسر می باشد که شایسته پرستش آنهاست.

سه هدیه ای که مردان حکیم به عیسی دادند، چه بود؟

طلا، مواد خوشبو و عطر، هدایای عادی نبودند که افراد به یک نوزاد معمولی بدهند. اینها هدایایی بودند که به پادشاه تقدیم می کردند.

با ارزشترین هدیه ای که می توانید به عیسی بدهید، چیست؟

می توانید با دادن تمامی دل، فکر و قوت تان در راه خدمت به عیسی، او را بپرستید.

دعا کنید!

اگر هرگز خود را به عیسی نداده اید، به او بگویید که اکنون می تواند تمامی قسمت های وجودتان را داشته باشد.



“زیرا خدا روح است و هر که بخواهد او را بپرستد، باید به روح و راستی بپرستد.” (یوحنا ۴: ۲۴)



آیه حفظی ما می گوید که مسیحیان باید خدا را در روح و راستی بپرستند. خدا می خواهد که فرزندانش نه تنها با کلمات، بلکه با تمامی دل خود، او را بپرستند. خدا می داند چه چیزی در دل تان وجود دارد. همچنین خدا می دانست چه چیزی در دل هیروдіس پادشاه بود! پادشاه نقشه یک قتل را طراحی می کرد!

متی ۲: ۱۲-۱۵ را بخوانید.

فکر کنید! آن شب مردان حکیم در خواب رویایی دیدند! چه هشداری به آنها داده شد؟



خدا می دانست که پادشاه شریک چه نقشه ای در سر دارد! خدا می خواست مردان حکیم از این ماجرا دور بمانند. مردان حکیم با احتیاط از اورشلیم دوری کردند و به کشور خودشان باز گشتند. یوسف نیز خوابی دید. فرشته خداوند به یوسف گفت که چه کار کند؟

خدا می دانست که هیروдіس می خواهد عیسی را بکشد، بنابراین او یوسف را هدایت کرد تا خانواده اش را به مصر ببرد. آنها زمانی که هنوز هوا تاریک بود، آنجا را ترک کردند. چرا بسیار مهم بود که یوسف از خدا اطاعت نماید؟

آیه ۱۵ به مسیحیان یاد آوری می کند که انبیا چه چیزی نوشته بودند، “... او را مثل پسر خود دوست می داشتم و او را از مصر فرا خواندم.” (هوشع ۱۱: ۱)

تمامی اینها قسمتی از نقشه خدا برای پسرش بود.

دعا کنید!

از خدا تشکر کنید که نقشه اش در آن شب انجام شد!



“زیرا خدا روح است و هر که بخواهد او را بپرستد، باید به روح و راستی بپرستد.” (یوحنا ۴: ۲۴)



هیرو دیس پادشاه مردی مکار و شرور بود! او سعی کرده بود مردان حکیم را بفریبد تا به او بگویند که عیسی کجاست. اما نقشه او نگرفت! مردان حکیم آنجا را ترک کردند. پادشاه بسیار عصبانی بود.

متی ۲: ۱۶-۱۸ را بخوانید.



فکر کنید! هیرو دیس پادشاه چه دستور شیطانی صادر کرد؟

چرا پادشاه می خواست که فقط کودکان پسری که دوساله یا کوچکتز بودند، کشته شوند؟

هیرو دیس پادشاه زمان ظهور ستاره طبق گفتار مردان حکیم را بیاد آورد. او می دانست که عیسی باید دوساله یا کوچکتز باشد. او مطمئن بود که این دستور شیطانی، عیسی را نابود می کند.

آیا فکر می کنید خدا از عکس العمل هیرو دیس متعجب شد؟ چرا؟

خدا می دانست که در دل هیرو دیس چه می گذرد. خدا به همین دلیل یوسف و خانواده اش را به مصر فرستاد.

کدام یک از انبیا درباره این اتفاق وحشتناک نوشته بود؟

این یکی دیگر از پیشگویی های متعددی بود که خبر می داد زمانی که عیسی خداوند به زمین آمد، چه اتفاقاتی برایش رخ خواهد داد. خدا دوباره ثابت کرد که کلامش درست است!

دعا کنید!

امروز از خدا تشکر کنید که کلامش در همه جای کتاب مقدس درست است.



“زیرا خدا روح است و هر که بخواهد او را بپرستد، باید به روح و راستی بپرستد.” (یوحنا ۴: ۲۴)



یوسف و مریم برای فرار از دست هیروдіس، پادشاه شریز در مصر زندگی می کردند. آیا آنها قادر بودند تا روزی به وطن شان در اسرائیل باز گردند؟ یک شب یوسف خواب دیگری دید!

متی ۲: ۱۹-۲۳ را بخوانید.

فکر کنید! چرا فرشته خداوند به یوسف گفت که بازگشت به اسرائیل خطرناک نیست؟



زندگی عیسی دیگر در خطر نبود. وقتی خانواده یوسف به اسرائیل نزدیک می شد، یوسف از خبرهای ناراحت کننده ای با خبر شد. چرا او از مردی که حاکم یهودا بود، می ترسید؟

پادشاه جدید پسر هیروдіس بود! احتمال داشت او نیز نقشه شریزانه پدرش را اجرا کند. خدا دوباره در یک خواب به یوسف هشدار داد. بنابراین یوسف و خانواده اش به منطقه جلیل به شهری به نام ناصره رفت. انبیا این موضوع را نیز پیشگویی کرده بودند. آنچه را انبیا در پایان آیه ۲۳ گفتند، بنویسید.

عیسی در طول زندگی بر روی زمین ناصری خوانده می شد. خدا هر کدام از جزئیات زندگی عیسی را طراحی کرده بود! به این دلیل می توانید او را در روح و راستی بپرستید!

از خدا بخواهید تا از شما یک پرستنده حقیقی بسازد.

دعا کنید!

از خدا تشکر کنید که هر یک از جزئیات زندگی عیسی به شما یادآوری می کند که او حقیقتاً خداست!



۲۷



دعا کنید!





عیسی در دوران کودکی

“ زیرا خدا خودش در وجود شما کار می کند تا بتوانید با میل و رغبت او را اطاعت کنید و اعمالی را به جا آورید که مورد پسند اوست.” (فیلیپیان ۲: ۱۳)



آیا تا به حال بازی انجام داده اید که در آن بازی می بایست از کسی پیروی می کردید و دقیقاً همان کاری را که او می کرد، انجام می دادید؟ بعضی وقت ها دشوار است که از کسی دنباله روی کنید. وقتی عیسی تنها یک پسر بچه جوان بود، از یک نفر به دقت پیروی می کرد، اما این یک بازی نبود! لوقا ۲: ۴۰ را بخوانید.

فکر کنید! مریم، یوسف و عیسی در ناصره زندگی می کردند. عیسی دیگر نوزاد نبود. او در حال رشد بود. این آیه درباره اینکه عیسی چگونه بزرگ شد، چه می گوید؟



عیسی فقط قوی نبود، او چیزهای زیادی یاد می گرفت. کتاب مقدس می گوید که فیض خدا بر عیسی بود. خدای پدر از پسرش خشنود بود. عیسی برای زمانی که شما نیز رشد می کنید و بزرگتر می شوید، نمونه خوبی فراهم کرده است. شما احتمالاً از لحاظ بدنی در حال رشد و بزرگتر شدن می باشید. اما چگونه می توانید از لحاظ حکمت نیز رشد کنید؟

خواندن کلام خدا شما را به شخص حکیمی تبدیل می کند. برای خشنود کردن خدا چه کاری می توانید انجام دهید؟

عیسی خداوند رهبر شماست - در اطاعت و پیروی از او دقت کنید!

دعا کنید!

از خدا بخواهید به شما کمک کند تا در حالیکه رشد می کنید و بزرگتر می شوید، از او پیروی نمایید.



“ زیرا خدا خودش در وجود شما کار می کند تا بتوانید با میل و رغبت او را اطاعت کنید و اعمالی را به جا آورید که مورد پسند اوست.” (فیلیپیان ۲: ۱۳)



آیا خانواده تان هرگز به سفر رفته اند؟ دیدن جاهای جدید، جالب و سرگرم کننده است. شما افراد و مکان های جدیدی را خواهید دید! عیسی و خانواده اش برای سفر بزرگی آماده می شدند!

لوقا ۲: ۴۱ - ۴۲ را بخوانید.

فکر کنید! مریم و یوسف آماده می شدند تا به اورشلیم بروند. در اورشلیم مکان بزرگی به نام هیکل وجود داشت که مردم در آنجا به پرستش خدا می



پرداختند.

یهودیان سالی یکبار کیلومترها سفر می کردند تا به آنجا بروند. چرا آنها به اورشلیم می رفتند؟

عید فصح زمان مخصوصی بود که به قوم خدا یاد آوری می کرد که خدا چطور آنها را از بردگی در مصر نجات داد.

وقتی عیسی ۱۲ ساله بود، به همراه خانواده اش برای عید فصح به اورشلیم رفت. ۱۲ سالگی سن مهمی برای یک پسر یهودی بود.

او به زودی یک مرد به حساب می آمد. او اجازه می یافت تا به همراه مردان دیگر به پرستشگاه رفته و در آنجا به پرستش بپردازد.

فکر می کنید چرا عیسی از رفتن به هیکل و پرستش در آنجا هیجان زده بود؟

آیا شما نیز برای رفتن به خانه خدا و پرستش او هیجان زده می شوید؟

دعا کنید!

از خدا به خاطر کلیسای تان که در آنجا می توانید خدا را پرستید، سپاسگزاری کنید.





“ زیرا خدا خودش در وجود شما کار می کند تا بتوانید با میل و رغبت او را اطاعت کنید و اعمالی را به جا آورید که مورد پسند اوست.” (فیلیپیان ۲: ۱۳)



یکروز مادر روشنگ در یک فروشگاه بزرگ به تماشای وسایل مختلف پرداخت. وقتی مادر روشنگ برگشت، او را نیافت. مادر روشنگ به اطرافش نگاه کرد. بالاخره یکی از فروشندگان به او کمک کرد تا روشنگ را پیدا کند. وقتی روشنگ گم شده بود، مادرش بسیار ترسیده بود! مادر عیسی نیز تجربه ای شبیه این داشت!

لوقا ۲: ۴۳ - ۴۵ را بخوانید.

فکر کنید! جشن عظیم فصح به پایان رسیده بود. تمام خانواده ها وسایل شان را جمع کرده بودند و سفر طولانی بازگشت را به خانه شروع کرده بودند. این عادی بود که بچه های کوچک و زنان با هم حرکت کنند. مردان جوان اغلب با مردان مسن تر حرکت می کردند.



وقتی مریم در راه بود، فکر کرد که عیسی با یوسف می آید. یوسف نیز فکر می کرد که عیسی همراه مریم است.

اما عیسی با هیچ کدام از ایشان نبود. فکر می کنید چرا عیسی در اورشلیم باقی ماند؟

مریم و یوسف فهمیدند که عیسی همراه شان نیست. آنها یکروز کامل در حدود ۳۰ کیلومتر سفر کرده بودند!

یوسف و مریم تصمیم گرفتند چه کاری انجام دهند؟

مریم و یوسف نگران شدند! اگر شما به جای آنها بودید، چه کار می کردید؟

آنها درک نکردند که عیسی از پدرش، یعنی خدا پیروی می کند.

دعا کنید!

از خدا تشکر کنید که عیسی همیشه از پدرش پیروی می کرد.



پیدا شده!



“ زیرا خدا خودش در وجود شما کار می کند تا بتوانید با میل و رغبت او را اطاعت کنید و اعمالی را به جا آورید که مورد پسند اوست.” (فیلیپیان ۲: ۱۳)



اگر تجربه گم شدن را داشته اید، می دانید که پیدا شدن چه احساس خوبی دارد! فقط تصور کنید که کسی هستید که به دنبال شخص دیگری می گردید. چقدر عالی است که بالاخره آن شخص را پیدا می کنید! مریم و یوسف در جستجوی عیسی بودند. آیا آنها عیسی را یافتند؟

لوقا ۲: ۴۶-۴۷ را بخوانید.

فکر کنید! یوسف و مریم عیسی را به مدت سه روز گم کردند! بعد از سه روز بالاخره عیسی را پیدا کردند! آنها از اینکه دیدند عیسی در هیکل در کنار معلمان یهود نشسته است، متعجب شدند. عیسی آنجا چه می کرد؟ اغلب معلمان شریعت با هم می نشستند و درباره احکام خدا بحث می کردند و مردم نیز به آنها گوش می دادند، اما عیسی فقط به آنها گوش نمی داد. معلمان شریعت نیز به او گوش می دادند. مردمی که در هیکل بودند، در مورد عیسی چه فکری می کردند؟



بسیار شگفت انگیز بود که پسر بچه ای ۱۲ ساله، اینقدر زیاد می دانست. فکر می کنید چرا عیسی اینقدر زیاد درباره شریعت خدا می دانست؟ عیسی، خدای پسر است! او همه چیز را می دانست، اما به عنوان یک بچه، آماده و مایل بود تا از دیگران نیز یاد بگیرد. آیا شما نیز با یادگیری تمامی آنچه که در کلام خدا است، از عیسی خداوند پیروی می کنید؟

دعا کنید!

از خدا کمک بخواهید تا کلامش را بخوانید و بدین ترتیب بتوانید او را بشناسید.





خانه پدرش

“ زیرا خدا خودش در وجود شما کار می کند تا بتوانید با میل و رغبت او را اطاعت کنید و اعمالی را به جا آورید که مورد پسند اوست.” (فیلبیان ۲: ۱۳)



آیا تا به حال از کسی پیروی کرده اید که نمی داند کجا می رود؟ این کار می تواند بسیار ناامید کننده و خسته کننده باشد!
عیسی چنین مشکلی نداشت. او از خدا پیروی می کرد!

لوقا ۲: ۴۸ - ۵۰ را بخوانید.

فکر کنید! وقتی مریم و یوسف عیسی را یافتند، خیلی آسوده خاطر شدند.
مریم به عیسی چه گفت؟



او می خواست عیسی بداند که آنها نگران او شده بودند. عیسی پرسید که چرا آنها به دنبال او می گشتند. جمله بعدی عیسی در آیه ۴۹ چه بود؟

هر چند عیسی ۱۲ ساله بود، اما رابطه مخصوص خود با خدای پدر را کاملا درک می کرد.

هیكل مکان پدر او برای دعا و پرستش بود.

عیسی می دانست که بر روی زمین آمده است تا کار پدر خود را انجام دهد.

عیسی می خواست در تمام کارهایی که انجام می داد، از خدای پدر اطاعت کند. شما چطور می توانید در تمام کارهای تان از خدا اطاعت کنید؟ خدا کلامش را به عنوان کتاب راهنما به شما داده است.

کتاب مقدس را بخوانید و از آنچه می گوید، اطاعت کنید. به یاد داشته باشید که این خداست که در شما کار می کند تا به شما کمک کند که از او اطاعت کنید (فیلبیان ۲: ۱۳).

دعا کنید!

از خدا بخواهید به شما کمک کند تا کلامش را به خاطر بسپارید و از آن اطاعت نمایید.



عیسی اطاعت می کند



“ زیرا خدا خودش در وجود شما کار می کند تا بتوانید با میل و رغبت او را اطاعت کنید و اعمالی را به جا آورید که مورد پسند اوست.” (فیلیپیان ۲: ۱۳)



بعضی از بچه ها می خواهند آنچه را که خودشان دوست دارند، انجام دهند. وقتی پدر یا مادر آنها می گوید کاری را انجام دهند، آنها نق می زنند و شکایت می کنند. بیایید ببینیم عیسی با پدر و مادرش چه رفتاری داشت.

لوقا ۲: ۵۱-۵۲ را بخوانید.

فکر کنید! مریم و یوسف آنچه را که عیسی به ایشان گفت، نفهمیدند. آنها فقط می خواستند که عیسی با آنها به خانه برود. عیسی چه کاری انجام داد؟



تصور کنید! خدای پسر نسبت به والدین خود مطیع بود! عیسی می دانست که برای پیروی از احکام خدا، می بایست از دستورات والدین خود نیز اطاعت می کرد. چند نمونه از قوانینی که شما باید در منزلتان رعایت کنید را نام ببرید. وقتی از قوانین والدینتان اطاعت می کنید، در حقیقت از خدا پیروی می کنید. این همان کاری است که عیسی انجام داد. او به خانه شان در ناصره رفت و در آنجا بزرگ شد. عیسی در یادگیری و از نظر بدنی رشد کرد و در خشنود سازی خدا و مردم نیز رشد نمود. رشد کردن در کدامیک از چهار مورد بالا برای شما دشوارتر است؟ چرا؟

وقتی در این موارد رشد می کنید، در حقیقت از خدا پیروی می کنید. او همیشه در کنار شما است تا به شما کمک کند! تصور کنید که لباس هایی از پشم شتر می پوشید و برای شام، عسل و ملخ می خورید. در داستان بعدی با مردی ملاقات می کنید که این کارها را کرد.

دعا کنید!

از خدا بخواهید به شما کمک کند تا همانطوری که عیسی رشد کرد، شما نیز رشد نمایید.



“به همین جهت، در تمام رفتار و کردار خود، پاک و مقدس باشید، زیرا خداوند نیز پاک و مقدس است، همان خداوندی که شما را خوانده تا فرزند او باشید.” (اول پطرس ۱: ۱۵)



هر نوزاد، یک خلقت مخصوص خداست! کتاب مقدس درباره چند نوزاد صحبت می کند که از راه های غیر معمولی به دنیا آمدند. یکی از آنها به عیسی بسیار نزدیک بود. نام او یحیی بود.

لوقا ۱: ۱۱-۲۰، ۵۷-۶۶ را بخوانید.

فکر کنید! زکریا و همسرش الیزابت، هر دو خدا را دوست داشتند و از او اطاعت می کردند. آنها هیچ فرزندی نداشتند و به دوران پیری خود نزدیک



می شدند.

یکروز فرشته ای به زکریا ظاهر شد. فرشته در آیه ۱۳ به او چه گفت؟

آنها به زودی صاحب فرزندی می شدند، اما چون زکریا به این وعده شک کرد، خدا صدایش را از او گرفت.

شک کردن به خدا مسئله بسیار جدی است! بالاخره الیزابت فرزندش را به دنیا آورد. آنها او را یحیی نامیدند.

آنوقت صدای زکریا دوباره باز شد. او با صدایش خدا را ستایش کرد! در آیه ۶۶ مردم درباره این نوزاد چه فکری می کردند؟

آنها می دانستند که خدا باید نقشه مخصوصی برای او داشته باشد.

دعا کنید!

از خدا بخواهید به شما کمک کند که کلامش را باور کنید و به آنچه که می گوید، شک نکنید.



“به همین جهت، در تمام رفتار و کردار خود، پاک و مقدس باشید، زیرا خداوند نیز پاک و مقدس است، همان خداوندی که شما را خوانده تا فرزند او باشید.” (اول پطرس ۱: ۱۵)



بعضی مردم دوست ندارند که دوم باشند، آنها دوست دارند همیشه مهمترین باشند. یحیی بزرگ شد و می خواست به خدا خدمت کند، اما می دانست که مهمترین شخص نیست. کار او این بود که راه را برای شخص دیگری آماده سازد.

مرقس ۱: ۸ - ۸ را بخوانید.

فکر کنید! خدا یحیی را به دلیل خاصی فرستاد. اشعیا نبی ۶۰۰ سال پیش از آن پیشگویی کرده بود که یحیی “... صدای ندا کننده در بیابان...”



(مرقس ۱: ۳) خواهد بود.

اشعیا گفت که پیغام یحیی چه خواهد بود؟

یحیی شخصی نبود که مردم را از گناه شان نجات دهد. او فرستاده شده بود تا مردم را تشویق نماید که برای آمدن پسر خدا، یعنی عیسی، آماده شوند.

یحیی لباس هایی از پشم شتر می پوشید. او ملخ (حشرات بزرگی که برگ می خورند) و عسل وحشی می خورد.

پیغام یحیی مهمترین ویژگی او بود. بسیاری از مردم از کیلومترها دورتر می آمدند تا به یحیی گوش دهند.

آیه ۵ می گوید که پس از اینکه آنها به یحیی گوش می دادند، چه کاری انجام می دادند؟

آیا مایلید که کاری برای خدا انجام دهید، حتی اگر این کار بدین مفهوم باشد که شما مهمترین شخص نخواهید بود؟

دعا کنید!

از خدا بخواهید به شما کمک کند که هر چه او می خواهد، انجام دهید.



“به همین جهت، در تمام رفتار و کردار خود، پاک و مقدس باشید، زیرا خداوند نیز پاک و مقدس است، همان خداوندی که شما را خوانده تا فرزند او باشید.” (اول پطرس ۱: ۱۵)



آیا اگر هیچ حرفی نزنید، دیگران می توانند بگویند که شما یک مسیحی هستید؟ روش زندگی شما باید نشان دهد که مسیحی هستید! این پیغام یحیی بود. خدا می خواست مردم زندگی های مقدسی داشته باشند.

لوقا ۳: ۷-۱۴ را بخوانید.

فکر کنید! بسیاری از مردم در رود اردن تعمید گرفتند تا ایمان خود را به خدا نشان دهند. اما یحیی می دانست که تعدادی از این افراد زندگی مقدسی نداشتند و خدا را خشنود نمی ساختند.



در آیه ۸، او گفت که آنها باید چه چیزی تولید کنند؟

درست همانطور که درخت میوه می آورد، مسیحیان نیز باید میوه زندگی مقدس را تولید کنند.

زندگی شما باید تغییری که خدا در شما بوجود آورده است را نشان دهد. به عنوان ایماندار باید از گناه متنفر باشید، درست همانطور که خدا از گناه متنفر است و می خواهد شما را تغییر دهد.

آیه حفظی می گوید که لازم است در تمام کارهایی که انجام می دهید، مقدس باشید. یحیی به مردم گفت که به فقرا کمک کنند، درستکار، صادق، راضی و سپاسگزار باشند.

اینها راه هایی هستند که نشان می دهد خدا دل گناهکار شما را تغییر داده است. برای اینکه نشان دهید خدا شما را تغییر داده است، چه کاری می توانید انجام دهید؟

دعا کنید!

از خدا بخواهید به شما کمک کند تا مقدس زندگی کنید و بدین ترتیب تغییری که او در شما ایجاد کرده است را نشان دهید.





“به همین جهت، در تمام رفتار و کردار خود، پاک و مقدس باشید، زیرا خداوند نیز پاک و مقدس است، همان خداوندی که شما را خوانده تا فرزند او باشید.” (اول پطرس ۱: ۱۵)



روزها یکی پس از دیگری، یحیی برای مردم موعظه می کرد و آنها را تعمید می داد. یکروز شخص مخصوصی به کناره رود اردن آمد تا با یحیی ملاقات کند! او عیسی بود!

متی ۳: ۱۳-۱۵ را بخوانید.

فکر کنید! عیسی راه طولانی جلیل تا رود اردن را طی کرد تا توسط یحیی تعمید یابد. یحیی به عیسی چه گفت؟



کلمه تعمید به مفهوم “هویت یافتن با” است. یحیی مردم را تشویق می کرد تا در خدا هویت پیدا کنند. مردم می توانستند با تعمید گرفتن در آب و داشتن زندگی مقدس، این کار را انجام دهند. عیسی خدای پسر است. او مقدس است. او از هر نظر کامل (بدون گناه) است.

او نیاز نداشت تعمید بگیرد. چرا عیسی به یحیی گفت که می بایست توسط یحیی تعمید بگیرد؟

عیسی می خواست در آب تعمید بگیرد تا دیگران که تعمید گرفته اند، در او هویت پیدا کنند. وقتی مردم به عنوان ایماندار تعمید می گیرند، در عیسی هویت پیدا می کنند. آنها به دیگران نشان می دهند که به عیسی ایمان دارند. آیا راه دیگری که می توانید با عیسی هویت پیدا کنید را می دانید؟
آیا با تمام آنچه که می گوئید و انجام می دهید، در عیسی خداوند شناخته می شوید (هویت دارید)؟

دعا کنید!

از خدا بخواهید به شما کمک کند که مانند عیسی باشید.





عیسی تعمید گرفته است

“به همین جهت، در تمام رفتار و کردار خود، پاک و مقدس باشید، زیرا خداوند نیز پاک و مقدس است، همان خداوندی که شما را خوانده تا فرزند او باشید.” (اول پطرس ۱: ۱۵)



یحیی افراد زیادی را تعمید داده بود، اما شخصی را که اکنون می خواست تعمید بدهد، با دیگران متفاوت بود. تعمید این شخص تعمیدی بود که یحیی هرگز فراموش نمی کرد!

متی ۳: ۱۶-۱۷ را بخوانید.

فکر کنید! یحیی و عیسی به درون آب رفتند. وقتی عیسی از آب بیرون آمد، اتفاق غیرعادی رخ داد. کتاب مقدس می گوید که آسمان گشوده شد. یحیی دید که چه چیزی از آسمان نازل شد؟



خدای روح القدس مانند کبوتری پایین آمد. این اتفاق توسط اشعیا نبی پیشگویی شده بود (اشعیا ۱۱: ۲). آنوقت یحیی صدایی از آسمان شنید. صدا چه می گفت؟

این صدای خدای پدر بود! او از اطاعت پسرش، عیسی خشنود بود. دو طریقی که به وسیله آنها می توانید بدانید که عیسی پسر خداست را نام ببرید.

می توانید از نزول خدای روح القدس و صدای خدای پدر بدانید که عیسی خدای پسر است. قبلا دیدید که چطور پیشگویی ها درباره عیسی ثابت کردند که او کیست. به خواندن ادامه دهید تا بیشتر در مورد عیسی یاد بگیرید.

دعا کنید!

امروز از خدا به خاطر پسرش عیسی تشکر کنید!



“به همین جهت، در تمام رفتار و کردار خود، پاک و مقدس باشید، زیرا خداوند نیز پاک و مقدس است، همان خداوندی که شما را خوانده تا فرزند او باشید.” (اول پطرس ۱: ۱۵)



آیا وقتی کسی به خاطر کاری که انجام داده است توجه دیگران را به خود جلب می کند، به او حسادت می کنید؟ شاید فکر کنید که شما هم به همان اندازه آن کار را انجام داده اید و هیچکس به شما توجه نکرده است. به تدریج بعضی از شاگردان یحیی اینگونه احساس می کردند.

یوحنا ۳: ۲۲-۳۰ را بخوانید.



فکر کنید! هم عیسی و هم یحیی به مردم تعلیم می دادند و آنها را به آب تعمید می دادند. پیروان یحیی به این موضوع که بسیاری از مردم به جای پیروی از یحیی از عیسی پیروی می کردند، حسادت ورزیدند. یحیی در آیه ۲۸ چه موضوعی را به شاگردانش یادآوری کرد؟

یحیی، مسیح، یعنی نجات دهنده موعود خدا نبود. یحیی فقط راه را برای مسیح آماده می کرد. یحیی گفت که عیسی مهمترین شخص بود. یحیی به عیسی حسادت نمی کرد. وقتی نسبت به کسی احساس حسادت می کنید، چه کاری باید انجام دهید؟ خدا برای هر کسی نقشه مخصوصی دارد. نگران نباشید که دیگران چه کاری انجام می دهند. نهایت تلاش خود را انجام دهید و به گونه ای زندگی کنید که خدا را خشنود سازید. در تمام کارهایی که انجام می دهید، مقدس باشید. این همان کاری است که یحیی سعی کرد انجام دهد.

چون یحیی زندگی مقدس و فروتنانه ای داشت، عیسی گفت که یحیی نبی بزرگی است (متی ۱۱: ۱۱). عیسی درباره شما چه می گوید؟ در درس بعدی یاد می گیرید که چطور از یک اسلحه در مقابله با دشمن تان، یعنی شیطان استفاده کنید. عیسی نیز از همین اسلحه استفاده کرد!

دعا کنید!

از خدا بخواهید به شما کمک کند که با داشتن یک زندگی پاک و مقدس، او را جلال بدهید.





دشمن شما

“کلام تو را در دل خود حفظ می کنم و به خاطر می سپارم، تا مبادا به تو گناه ورزم!” (مزامیر ۱۱۹: ۱۱)



آیا می دانستید که یک دشمن دارید؟ این دشمن، شیطان شریر است. او دشمن خداست و از فرزندان خدا متنفر است. این هفته یاد می گیرید تا چطور از اسلحه ای که عیسی علیه شیطان استفاده کرد، شما نیز استفاده کنید.

لوقا ۴: ۱-۲ را بخوانید.

فکر کنید! پس از اینکه عیسی تعمید گرفت، روح القدس او را از رود اردن به بیابان هدایت کرد. عیسی ۴۰ روز را در بیابان سپری کرد. در طول این ۴۰ روز چه اتفاقاتی برای او رخ داد؟



بعضی وقت ها خدا اجازه می دهد فرزندانش آزمایش شوند تا ببیند آیا آنها حقیقتاً به او اعتماد دارند، اما شیطان مردم را وسوسه می کند تا آنها را به گناه بکشاند. این نوع وسوسه یک میل شدید به انجام کار اشتباه است. فکر می کنید چرا شیطان می خواست که عیسی گناه کند؟

تنها کسی که هرگز گناه نکرده بود و می توانست بهای گناه تان را بپردازد، عیسی بود. از آنجا که عیسی خداوند با این وسوسه ها روبرو شد، شما نیز می توانید یاد بگیرید که وقتی این وسوسه ها در زندگی شما می آید، چطور با آنها برخورد کنید.

دعا کنید!

از خدا تشکر کنید که عیسی راه مقابله با وسوسه را به شما نشان داد.





آیا به خاطر می سپارید؟

«کلام تو را در دل خود حفظ می کنم و به خاطر می سپارم، تا مبادا به تو گناه ورزم!» (مزامیر ۱۱۹: ۱۱)



آیا می توانید ۶ آیه حفظی دروس قبلی را بگویید؟ اگر کلام خدا نوشته شده است، پس چرا حفظ کردن آن مهم است؟ این موضوع را در درس امروز درک می کنید.

متی ۴: ۱-۴ را بخوانید.

فکر کنید! آیه ۲ می گوید که عیسی به مدت ۴۰ شبانه روز، روزه گرفت. روزه یعنی بدون غذا سر کردن. عیسی بسیار گرسنه شد. شیطان به عیسی گفت که چه کاری انجام بدهد؟



عیسی پسر خدا قدرت داشت تا سنگ ها را به نان تبدیل کند. اما عیسی می دانست این چیزی نیست که خدای پدر می خواهد او انجام دهد. خواست خدا برای عیسی این بود که او برای مدتی گرسنه بماند. عیسی نمی خواست با سرپیچی از پدرش، گناه کند. عیسی چگونه به شیطان پاسخ داد؟

وقتی عیسی گفت: «نوشته شده» (متی ۴: ۴). او از کلام خدا (تثنیه ۸: ۳) صحبت می کرد.

آیا عیسی یک نسخه از کتاب مقدس را به همراه داشت؟ نه! او از حافظه اش استفاده کرد. به این دلیل اهمیت دارد که کلام خدا حفظ شود. وقتی کلام خدا را در دل خود پنهان می کنید، این کار باعث می شود که از گناه خود داری کنید.

یکی از آیاتی را که از این کتاب حفظ کرده اید، بنویسید.

دعا کنید!

از خدا بخواهید به شما کمک کند که این هفته کلامش را در دل خود

پنهان سازید.



“کلام تو را در دل خود حفظ می کنم و به خاطر می سپارم، تا مبادا به تو گناه ورزم!” (مزامیر ۱۱۹: ۱۱)



شاید فکر کنید که فقط حفظ کردن کلام خدا، برای ایستادگی در برابر وسوسه شیطان کافی است. امروز می بینید که شما تنها کسی نیستید که کلام خدا را حفظ می کنید!

متی ۴: ۵-۷ را بخوانید.

فکر کنید! شیطان از راه دیگری استفاده کرد تا عیسی را به گناه بکشاند. او



عیسی را به اورشلیم، شهر مقدس برد. در بالاترین نقطه، در بالای هیکل شیطان به عیسی چه گفت؟

از آنجا که عیسی حقیقتاً پسر خدا بود، می توانست با پرت کردن خود این موضوع را به همه نشان دهد.

شیطان حتی کلام خدا را تکرار کرد و گفت که فرشتگان اجازه نخواهند داد که به عیسی آسیبی برسد. عیسی فریب نخورد. او می دانست که هیچکس نباید خدا را امتحان کند. عیسی چگونه پاسخ داد؟

اگر بخواهید خدا را امتحان کنید، اشتباه است. آیا می دانستید که شیطان کلام خدا را می داند؟

او کلام خدا را می داند، اما از آن به روش غلطی استفاده می کند تا شما را به گناه بکشاند. فهمیدن و اطاعت از کلام خدا چگونه به شما کمک می کند که در مقابل شیطان مقاومت نمایید؟

فقط کلام خدا را حفظ نکنید. بفهمید کلام خدا چه می گوید و از آن اطاعت نمایید.

دعا کنید!

از خدا بخواهید به شما کمک کند که هر روز کلامش را بخوانید تا آنرا

خوب بدانید.



«کلام تو را در دل خود حفظ می کنم و به خاطر می سپارم، تا مبدا به تو گناه ورزم!» (مزامیر ۱۱۹: ۱۱)



فکر می کنید شیطان بیشتر از هر چیزی، چه می خواهد؟ او می خواهد نقشه خدا را برای این جهان نابود کند. او امیدوار بود که در وسوسه سوم خود، این کار را انجام دهد.
متی ۴: ۸-۱۰ را بخوانید.

فکر کنید! شیطان عیسی را به بالای یک کوه بلند برد. او تمام ممالک جهان را به عیسی نشان داد. او به عیسی خداوند گفت که چه کار کند؟



در حال حاضر پادشاهی جهان به شیطان تعلق دارد (یوحنا ۱۲: ۳۱). او پیشنهاد کرد که اگر عیسی او را سجده کند و بپرستد، او این ممالک را به عیسی می دهد. فکر می کنید چرا شیطان می خواست عیسی این کار را انجام دهد؟

شیطان می دانست اگر عیسی او را بپرستد، دیگر از نقشه پدر اطاعت نخواهد کرد و نمی توانست برای گناهان شما بر روی صلیب بمیرد.
عیسی چگونه به او پاسخ داد؟

عیسی دوباره از کلام خدا (تثنیه ۶: ۱۳) به او پاسخ داد. عیسی گفت که تنها خدا می باید پرستش و خدمت شود. عیسی به جلال و مقامی که شیطان به او پیشنهاد کرده بود، احتیاج نداشت.

یکروز عیسی بر تمامی زمین حکومت خواهد کرد!
آیا خوشحال نیستید که عیسی در مقابل شیطان ایستادگی کرد؟

دعا کنید!

از خدا بخواهید تا شما را در نه گفتن به شیطان، قوی سازد.






دور شو، ای شیطان

“کلام تو را در دل خود حفظ می کنم و به خاطر می سپارم، تا مبادا به تو گناه ورزم!” (مزامیر ۱۱۹: ۱۱)



آیا ممکن است که شیطان را دور کنید و باعث شوید که شما را ترک کند؟
بیایید تا قسمت بعدی این داستان را دنبال کنیم!

آیات ۴: ۱۰-۱۱ را بخوانید.

 فکر کنید! اولین چیزی که عیسی در آیه ۱۰ به شیطان گفت، چیست؟
در یعقوب ۴: ۷ خدا می گوید که اگر در مقابل شیطان ایستادگی کنید (مقاومت کنید)، او از شما فرار خواهد کرد (دور می شود). عیسی با تکرار کلام خدا، در مقابل شیطان ایستادگی کرد.
او همچنین گفت که دور شو، ای شیطان و بدین ترتیب در مقابل او ایستادگی کرد.
آنگاه شیطان چه کرد؟

لوقا ۴: ۱۳ می گوید که شیطان “برای مدتی” از عیسی دور شد. این بدین معناست که او عیسی را دوباره وسوسه کرد. فکر می کنید مرتبه بعد که شیطان عیسی را وسوسه کرد، عیسی چه کاری انجام داد؟
می توانید مطمئن باشید که عیسی از کلام خدا برای مقاومت در برابر شیطان استفاده کرد. فریب نخورید و فکر نکنید که اگر یکبار در مقابل شیطان ایستادگی کنید، او برای همیشه شما را ترک خواهد کرد! شیطان بارها و بارها باز می گردد تا شما را وسوسه کند. هر بار که شیطان می آید تا شما را وسوسه نماید، چه کاری می توانید انجام دهید؟

از کلام خدا برای مقاومت در برابر شیطان استفاده نمایید!

دعا کنید!

از خدا بخواهید تا هر بار که وسوسه می شوید، کلامش را به شما یادآوری نماید.



اسلحه قدرتمند شما

“کلام تو را در دل خود حفظ می‌کنم و به خاطر می‌سپارم، تا مبدا به تو گناه ورزم!” (مزامیر ۱۱۹: ۱۱)



آیا هرگز فکر کرده اید که اسلحه عیسی در مقابل شیطان، چه بود؟ این اسلحه، کلام خدا بود!
کلام خدا، اسلحه شما نیز می‌باشد. یکی از قسمت های کتاب مقدس، بیشتر درباره این اسلحه صحبت می‌کند.
افسیان ۶: ۱۰ - ۱۱، ۱۷ را بخوانید.

فکر کنید! به عنوان یک مسیحی در نبرد با شیطان هستید. او می‌خواهد شما



را نابود کند تا نتوانید خدا را خدمت کنید. آیه ۱۰ می‌گوید که چگونه می‌توانید برای این نبرد آماده و قوی باشید؟

قوت شما در خداوند است! خدا چه چیزی به عنوان زره به شما داده است تا در این نبرد آن را به تن کنید؟

اسلحه خدا حفاظت نامرئی در برابر شیطان است. شما با ایمان، یعنی باور این حقیقت که کلام خدا درست است، می‌توانید آن را بپوشید. هر سربازی به سلاح نیاز دارد. آیه ۱۷ می‌گوید که سلاح شما، شمشیر روح است. این شمشیر چیست؟
کلام خدا اسلحه قدرتمندی است. خواندن و حفظ کردن آن، در وقت وسوسه به شما کمک می‌کند. اما همچنین لازم است که از آن نیز اطاعت نمایید.
اطاعت از کلام خدا، قدرتمندترین قسمت این اسلحه است! یکی از آیاتی که در هفته های گذشته یاد گرفته اید را انتخاب کنید. از این آیه می‌توانید استفاده کنید تا در مقابل چه وسوسه ای مقاومت نمایید؟

دعا کنید!

از خدا به خاطر کلام قدرتمندش تشکر کنید.



۴۶



دعا کنید!





اولین شاگردان عیسی

“عیسی ایشان را خوانده گفت: به دنبال من بیایید و من به شما نشان می دهم که چگونه مردم را برای خدا صید کنید.” (متی ۴: ۱۹)



آیا دوست دارید که یک علامت راهنمایی رانندگی باشید؟ یحیی تعمید دهنده خوشحال بود که یک علامت بود. او مردم را به سوی عیسی هدایت می کرد. او ناراحت نمی شد که مردم او را ترک می کردند و از خداوند عیسی پیروی می نمودند.
یوحنا ۱: ۳۵-۳۹ را بخوانید.

فکر کنید! یحیی عیسی را به چه نامی می خواند؟



عیسی بره خدا بود. چون او خودش را برای گناه قربانی کرد. این دو مرد، یعنی اندریاس و یوحنا، از شاگردان (پیروان) یحیی تعمید دهنده بودند. اکنون لازم بود که از عیسی پیروی کنند. فکر می کنید که چرا آنها می خواستند ببینند که عیسی کجا سکونت دارد؟

آنها یک روز کامل را با او سپری کردند. آن روز، زندگی آنها را تغییر داد. آن روز، اولین روز از روزهای متعددی بود که آنها با سرور جدیدشان سپری کردند.

عیسی می خواهد که شما نیز هر روز با او زمانی را سپری کنید. زمانی را که با عیسی سپری می کنید، با عجله به پایان نرسانید. وقتی کتاب مقدس می خوانید، اجازه دهید عیسی با شما صحبت کند.
در دعا با او صحبت کنید. هر روز چه زمانی به خواندن کتاب مقدس و دعا کردن می پردازید؟

دعا کنید!

از خدا بخواهید به شما کمک کند تا زمانی را که با او می گذرانید، با عجله به پایان نرسانید.





اخبار هیجان انگیز

“عیسی ایشان را خوانده گفت: به دنبال من بیایید و من به شما نشان می دهم که چگونه مردم را برای خدا صید کنید.” (متی ۴: ۱۹)



آیا تا به حال اتفاق افتاده است که از شادی در پوست خود نمی گنجیدید و می خواستید خبر هیجان انگیزی را به کسی بدهید؟ شما با عجله از مدرسه بیرون می آمدید و نمی توانستید صبر کنید تا به خانه برسید و آن خبر را به کسی بدهید. آندریاس خبر هیجان انگیزی داشت.

یوحنا ۱: ۴۰ - ۴۲ را بخوانید.

فکر کنید! آندریاس چه خبری داشت؟



آندریاس بسیار هیجان زده بود، چون مسیح (نجات دهنده) را پیدا کرده بود. اگر شما از گناه نجات یافته اید، شما نیز خبر خوشی برای گفتن دارید. اولین کسی که آندریاس با او درباره ملاقاتش با عیسی صحبت کرد، چه کسی بود؟

آندریاس خبر خوش را به خانواده اش گفت. امروز به چه کسی از اعضای خانواده تان می توانید خبر خوش را بگویید؟ پس از اینکه آندریاس درباره مسیح صحبت کرد، چه کار کرد؟

خدا می تواند از شما استفاده کند تا کسی را به سوی عیسی هدایت نمایید. شما می توانید به شخص بگویید که چگونه به عیسی خداوند توکل کند. شما می توانید یک آیه کتاب مقدسی، مثل رومیان ۱۰: ۱۳ را به او نشان دهید. رومیان ۱۰: ۱۳ می گوید: “پس خداوند هر کس را که به او پناه ببرد، نجات خواهد داد.”

همانطوری که آیه حفظی، متی (۴: ۱۹) می گوید، آندریاس یک “صیاد مردم” شد! دعا کنید!

از خدا بخواهید به شما کمک کند که با کسی از اعضای خانواده تان درباره عیسی خداوند صحبت کنید.



“عیسی ایشان را خوانده گفت: به دنبال من بیایید و من به شما نشان می‌دهم که چگونه مردم را برای خدا صید کنید.” (متی ۴: ۱۹)



آیا می‌دانید اسم تان به چه معناست؟ اگر می‌توانستید نام جدیدی برای خودتان انتخاب کنید، چه اسمی را انتخاب می‌کردید؟ اندریاس، برادرش شمعون را به نزد عیسی خداوند آورد. وقتی عیسی اسم شمعون را تغییر داد، هر دو برادر می‌بایست متعجب شده بودند.

یوحنا ۱: ۴۰ - ۴۴ را بخوانید.

فکر کنید! عیسی چه اسم جدیدی بر شمعون گذاشت؟



عیسی خداوند به شمعون نگاه کرد. او می‌دانست که شمعون را به تدریج به شخصی قوی و قابل اعتماد تبدیل خواهد کرد. نام جدید شمعون، یعنی پطرس به معنای “صخره” بود. پطرس هنوز مانند یک صخره محکم و قابل اتکا نبود، اما عیسی قصد داشت که او را تغییر دهد. عیسی خداوند از چه نظر شما را تغییر داده است؟

امیدواریم مردم بتوانند با دیدن اعمال و شنیدن سخنان شما، بگویند که تغییر کرده‌اید. هر کسی که عیسی مسیح را به عنوان خداوند خود می‌شناسد، به تدریج تغییر خواهد کرد. عیسی خداوند می‌خواهد که مانند او باشید. نفر بعدی که عیسی او را فرا خواند، فیلیپ بود. عیسی به فیلیپ گفت که چه کاری انجام دهد؟

عیسی از شما می‌خواهد که از او پیروی کنید، درست همانطور که از فیلیپ خواست، از او اطاعت کند. او زندگی شما را کم‌کم تغییر خواهد داد.

دعا کنید!

از خدا تشکر کنید، چون وقتی از عیسی خداوند پیروی می‌کنید، او شما را تغییر می‌دهد.





بدون رمز و راز

“عیسی ایشان را خوانده گفت: به دنبال من بیایید و من به شما نشان می دهم که چگونه مردم را برای خدا صید کنید.” (متی ۱۹: ۴)



آیا تا به حال بدن تان با اشعه ایکس، عکسبرداری شده است؟ پزشکان از این نوع عکسبرداری استفاده می کنند تا درون بدن شما را ببینند. عیسی خداوند می تواند درون فکر و دل تان را ببیند. او می تواند ببیند که چه شخصی هستید.

یوحنا ۱: ۴۲ - ۴۴ را بخوانید.

فکر کنید! فیلیپ به صیاد مردم تبدیل شد. او با دوستش نتنائیل درباره عیسی خداوند صحبت کرد.



فیلیپ گفت که عیسی کیست؟ فیلیپ ایمان داشت که عیسی ناصری همان مسیح بود که انبیا درباره او نوشته بودند. نتنائیل عیسی را نمی شناخت، اما درباره ناصره می دانست نتنائیل نمی توانست بفهمد که چطور شخص مهمی مانند مسیح، از شهر حقیری به نام ناصره می آید. عیسی خداست. او می توانست پیش از اینکه با نتنائیل ملاقات کند، دل و فکر او را ببیند. عیسی همه چیز را درباره نتنائیل می دانست. نتنائیل فوراً فهمید که عیسی کیست. در آیه ۴۹ نتنائیل چه چیزی در مورد عیسی گفت؟

عیسی می داند که شما چه شخصی هستید. این موضوع باعث می شود که چه احساسی داشته باشید؟

از خدا بخواهید به شما کمک کند تا آن شخصی باشید که او از شما می خواهد.

دعا کنید!

خدا را بپرستید، چون او همه چیز را می داند.



لاوی از عیسی پیروی می کند

“عیسی ایشان را خوانده گفت: به دنبال من بیایید و من به شما نشان می دهم که چگونه مردم را برای خدا صید کنید.” (متی ۴: ۱۹)



عیسی همیشه افرادی را که ثروتمند، مشهور یا تحصیل کرده بودند، انتخاب نمی کرد که شاگردان او باشند. او مردم معمولی را انتخاب می کرد. بعضی وقت ها او افرادی را انتخاب می کرد که مردم آنها را دوست نداشتند.

لوقا ۵ : ۲۷-۳۲ را بخوانید.

فکر کنید! لاوی، متی نیز خوانده می شود. شغل او جمع آوری مالیات بود.



ماموران جمع آوری مالیات، افراد محبوبی نبودند. عیسی خداوند به لاوی چه گفت؟

“مرا پیروی کن” یعنی اینکه با من سفر کن. لاوی از عیسی یاد می گرفت و کارهایی را که عیسی به او می گفت، انجام می داد. آیه ۲۸ می گوید که لاوی کدام سه کار را انجام داد؟

در زندگی لاوی، عیسی خداوند از همه چیز مهمتر بود. عیسی می خواهد در زندگی شما نیز اول باشد. آیا چیزی وجود دارد که از عیسی خداوند برای تان مهمتر باشد؟

در آیه ۲۹ لاوی چطور محبتش را به عیسی خداوند نشان داد؟ در مهمانی که لاوی ترتیب داده بود، ماموران جمع آوری مالیات نیز حضور داشتند. بعضی از افراد گله و شکایت می کردند که عیسی با این افراد گناهکار غذا می خورد. عیسی گفت که آمده است تا گناهکارانی را که مایلند از گناهان شان برگردند و توبه کنند، نجات دهد.

دعا کنید!

به عیسی خداوند بگویید که می خواهید او در زندگیتان اول باشد



یک نوع دیگر از ماهیگیری

“عیسی ایشان را خوانده گفت: به دنبال من بیایید و من به شما نشان می دهم که چگونه مردم را برای خدا صید کنید.” (متی ۴: ۱۹)



اگر یک بچه کوچک به شما بگوید که کاری را انجام دهید، ممکن است به او توجهی نشان ندهید.

اگر یک معلم به شما بگوید که آن کار را انجام دهید، احتمالاً آنرا انجام خواهید داد. این موضوع که چه کسی به شما بگوید کاری را انجام دهید، بسیار مهم است. عیسی به چند مرد گفت که از او پیروی کنند. آیا از او پیروی خواهند کرد؟

متی ۴: ۱۸ - ۲۲ را بخوانید.

فکر کنید! عیسی، پطرس و اندریاس را وقتی در کناره دریای جلیل کار می کردند، پیدا کرد.



شغل آنها چه بود؟

وقتی عیسی به ایشان رسید، متوجه شد که آنها ماهیگیری می کنند. آنها از قلاب ماهیگیری استفاده نمی کردند. آنها یک تور را به دریا می انداختند تا ماهی ها به دام افتند و سپس تور را به داخل قایق می کشیدند. عیسی به آنها چه گفت؟

وقتی عیسی گفت که آنها صیاد مردم می شوند، منظورش چه بود؟

عیسی قصد داشت به ایشان تعلیم دهد که مردم را به نزد او بیاورند. پطرس و اندریاس فوراً اطاعت کردند. آنها مایل بودند که همه چیز را رها کرده و از عیسی پیروی نمایند.

شما مایلید چه چیزهایی را رها کنید و از عیسی پیروی نمایید؟

دعا کنید!

از خدا بخواهید تا شما را صیاد مردم بسازد.



۵۳



دعا کنید!



“بیش از یک بار شنیده ام که خداوند فرموده است: قوت از آن من است. ای خداوند، رحمت نیز از آن توست و تو هر کس را بر اساس کارهایش پاداش خواهی داد.” (مزمیر ۶۲: ۱۱-۱۲)



آیا دوست دارید به یک مهمانی دعوت شوید؟ مهمانی سرگرم کننده، جالب است. با دوستان تان ملاقات می کنید و از بازی های دسته جمعی لذت می برید. غذای مخصوصی نیز حتما در آنجا وجود دارد. یکرز عیسی و شاگردانش به یک مهمانی دعوت شدند. اتفاق مخصوصی به زودی رخ می داد!

یوحنا ۲: ۱-۶ را بخوانید.

فکر کنید! عیسی و شاگردانش به چه نوع مهمانی دعوت شده بودند؟



در آن زمان ها جشن های عروسی کاملا متفاوت بودند. داماد بهترین لباس خود را می پوشید. او می رفت تا عروس را از خانه اش به خانه خود بیاورد. تعداد زیادی از دوستان داماد نیز او را در کوچه ها همراهی می کردند تا عروس را به خانه اش بیاورد. آواز و فریاد شادی و موسیقی خانه داماد را پر می ساخت. ممکن بود مهمانی به مدت ۷ روز نیز طول بکشد! عیسی خداوند نیز به این جشن عروسی رفت. اگر عیسی به مهمانی شما می آمد، چه احساسی به شما دست می داد؟

وقتی عیسی را به عنوان نجات دهنده خود می شناسید، هر کجا که بروید، او با شما می آید. او می خواهد در هر اتفاقی که در زندگی شما رخ می دهد، در کنار شما باشد (با شما سهیم باشد).

دعا کنید!

از خدا تشکر کنید، چون هر کجا که می روید، او با شما است.





روز مخصوص خراب شد

«بیش از یک بار شنیده ام که خداوند فرموده است: قوت از آن من است. ای خداوند، رحمت نیز از آن توست و تو هر کس را بر اساس کارهایش پاداش خواهی داد.» (مزمیر ۶۲: ۱۱-۱۲)



فرض کنید جشن تولدتان را برنامه ریزی می کنید. تمام دوستان تان نیز به این جشن می آیند. شما کارهای زیادی را تدارک می بینید و به انجام تمام این کارها فکر می کنید. غذای مورد علاقه تان را نیز خواهید داشت. ولی وقتی صبح روز تولدتان از خواب بیدار می شوید، مریض هستید. روز مخصوص شما خراب شده است. یوحنا ۲: ۱-۶ را بخوانید.

فکر کنید! اتفاقی رخ داد که جشن عروسی که عیسی در آن شرکت کرده بود را خراب کرد.



مشکل چه بود؟

شراب تمام شده بود و داماد شرمنده می شد و عروس نیز غمگین می شد. مهمانان نیز ناامید و دلسرد می شدند.

فقط یک نفر در مهمانی بود که می توانست به آنها کمک کند. آن شخص عیسی خداوند بود.

چرا عیسی می توانست کمک کند؟

عیسی خداوند از لحاظ ظاهری با دیگر مهمانان تفاوتی نداشت، ولی در حقیقت او با دیگران متفاوت بود. او خدای پسر بود. هیچ مشکلی برای او غیر قابل حل نبود.

آیه حفظی این هفته، دو چیز را درباره خدا به ما می گوید. این دو چیز چیست؟

نیاز دارید که عیسی در حل چه مشکلی به شما کمک کند؟

دعا کنید!

با خدا درباره مشکل تان صحبت کنید و از او تشکر کنید که او قوی و پر از محبت است.



“بیش از یک بار شنیده ام که خداوند فرموده است: قوت از آن من است. ای خداوند، رحمت نیز از آن توست و تو هر کس را بر اساس کارهایش پاداش خواهی داد.” (مزامیر ۶۲: ۱۱-۱۲)



بیشتر مردم در مهمانی فکر می کردند که عیسی فقط یک شخص معمولی است. اما تنها یک نفر وجود داشت که می دانست عیسی شخص معمولی نیست.

یوحنا ۲: ۱-۶ را بخوانید.

فکر کنید! چگونه مریم می دانست که عیسی با دیگران تفاوت دارد؟



مریم آنچه را که فرشته درباره پسرش گفته بود، بیاد آورد. او بزرگ شدن عیسی را دیده بود. مریم می دانست که عیسی کیست. مریم به عیسی چه گفت؟

پاسخ عیسی به مریم یادآوری کرد که عیسی باید از خدای پدر اطاعت نماید. مریم نیاز داشت بفهمد که عیسی می بایست کارها را در زمان خدا و به روش خدا انجام دهد. بعضی وقت ها ممکن است فکر کنید که پاسخ مشکلات تان را می دانید. وقتی بیمار هستید، می خواهید خدا شما را فوراً شفا دهد. می خواهید خدا کسانی را که دوست ندارید، از زندگی تان خارج کند. خدا می خواهد به او توکل کنید، تا او مشکل تان را در زمان خودش و به روش خودش حل کند. چه کلماتی در آیه ۵ نشان می دهد که مریم به عیسی اعتماد کرد تا مشکل را حل نماید؟

وقتی صبر می کنید تا خدا مشکلات تان را حل کند، از او نیز اطاعت کنید.

دعا کنید!

به خدا بگویید که در مشکلات تان به او اعتماد دارید.



عیسی وارد عمل می شود

“بیش از یک بار شنیده ام که خداوند فرموده است: قوت از آن من است. ای خداوند، رحمت نیز از آن توست و تو هر کس را بر اساس کارهایش پاداش خواهی داد.” (مزامیر ۶۲: ۱۱-۱۲)



یهودیان بسیار مواظب بودند تا پیش از غذا خوردن، دست های خود را بشویند. از آنجا که آنها آب لوله کشی نداشتند، از شش مخزن بزرگ آب که در حیاط منزلشان بود، استفاده می کردند.

هر یک از این مخازن حدود ۸۰ - ۱۲۰ لیتر آب در خود جا می داد. شش مخزن آب در حدود ۴۸۰ - ۷۲۰ لیتر آب گنجایش داشت. به زودی یک اتفاق عجیب در تمامی این مخزن های آب رخ می داد!

یوحنا ۲: ۶ - ۱۰ را بخوانید.

فکر کنید! چرا خدمتکاران مخازن را از آب پر ساختند؟



عیسی به خدمتکاران گفت که قسمتی از این آب را نزد مسئول جشن ببرند. فکر می کنید چرا ممکن بود دستورات عیسی باعث شگفتی خدمتکاران شده باشد؟

اگر آنها به جای شراب به او آب می دادند، مسئول جشن اصلاً خوشحال نمی شد. وقتی مسئول جشن جرعه ای از آنرا خورد، کاملاً تعجب کرد.

عیسی خداوند آب را به بهترین شراب تبدیل کرده بود. اکنون برای همه مهمانان شراب کافی وجود داشت!

عیسی نشان داد که قوی و پر از محبت است، درست همانطوری که آیه حفطی ما می گوید.

آیا می توانید به مشکلی فکر کنید که عیسی در حل آن به شما کمک کرد؟

هیچ مشکلی وجود ندارد که حل آن برای عیسی دشوار باشد!

دعا کنید!

از خدا تشکر کنید، چون او قدرت دارد در تمامی مشکلات تان به شما

کمک نماید





او خداست

“بیش از یک بار شنیده ام که خداوند فرموده است: قوت از آن من است. ای خداوند، رحمت نیز از آن توست و تو هر کس را بر اساس کارهایش پاداش خواهی داد.” (مزامیر ۶۲: ۱۱-۱۲)



آیا تا به حال به قسمتی از یک عکس نگاه کرده اید و سعی کرده اید حدس بزنید که آن عکس چیست.

وقتی قسمت های بیشتری از عکس را می بینید، راحت تر می توانید بگویید که آن عکس چیست.

وقتی شاگردان به تدریج عیسی خداوند را بیشتر می شناختند، مثل این بود که آنها تصویر واضح تری از او داشتند.

یوحنا ۲: ۶-۱۱ را بخوانید.

فکر کنید! این اولین معجزه ای بود که عیسی بر روی زمین انجام داد. آیه ۱۱ می گوید که عیسی با انجام این معجزه چه چیزی را آشکار ساخت؟



عیسی با آشکار ساختن جلال خود، نشان داد که خداست. او روی زمین بر همه چیز تسلط دارد! شاگردان عیسی نفهمیدند که عیسی خدای پسر است. معجزه عیسی چه چیزی را درباره خدا نشان داد؟

عیسی خداوند از طریق معجزات و تعالیمش، خود را کمی بیشتر آشکار ساخت. کم کم شاگردان می فهمیدند که عیسی حقیقتاً کیست. چطور می توانید عیسی خداوند را بهتر بشناسید؟

خدا کتاب مقدس را به ما داد تا راهی باشد که او را بیشتر بشناسیم و بیشتر درباره او یاد بگیریم.

آیا هر روز کتاب مقدس تان را می خوانید؟

دعا کنید!

از خدا تشکر کنید، چون او به شما کمک کرد که در این هفته عیسی خداوند را بهتر بشناسید.



ایمان رشد می کند

“بیش از یک بار شنیده ام که خداوند فرموده است: قوت از آن من است. ای خداوند، رحمت نیز از آن توست و تو هر کس را بر اساس کارهایش پاداش خواهی داد.” (مزامیر ۶۲: ۱۱-۱۲)



ممکن است فکر کنید، “خدا مشکل مرا با یک معجزه حل نکرده است.” بعضی اوقات خدا معجزه می کند. بعضی وقت ها نیز او فقط به شما کمک می کند تا با آن مشکل زندگی کنید. او بهترین راه می داند و آنرا انجام می دهد. در عروسی قانا عیسی نشان داد که خداست و تمام قدرت را در دست دارد. او آب را به شراب تبدیل کرد.

یوحنا ۲: ۶-۱۰ را بخوانید.



فکر کنید! پس از این معجزه، شاگردان چه کاری انجام دادند؟

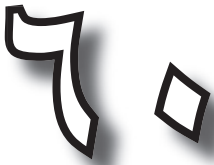
وقتی شاگردان برای اولین بار عیسی را پیروی کردند، در حقیقت به او اعتماد کردند. این معجزه جلال و قدرت عیسی را به عنوان خدای پسر نشان داد. این معجزه باعث شد که آنها بیشتر به عیسی توکل کنند. ایمان آنها قویتر شد. وقتی خداوند در حل مشکلی به شما کمک می کند، به او بیشتر اعتماد می کنید. اتفاقات زیر را به ترتیب وقوع آنها شماره گذاری نمایید:
 (... از خدا می خواهید که مشکل تان را حل کند.
 (... یک مشکل وارد زندگی تان می شود.
 (... ایمان تان رشد می کند.
 (... خدا آن مشکل را حل می کند.

فکر می کنید که وقتی در مشکلات تان به خدا توکل نکنید، ایمان تان چه تغییری خواهد کرد؟

دعا کنید!

از خدا بخواهید به شما کمک کند که وقتی بیشتر به او اعتماد می کنید، ایمان تان رشد نموده و قویتر شود





دعا کنید!

